

چند هفته ای است که استقلال بد نتیجه می گیرد، در ۵ هفته امتیازهای کمی را دشت کرده و از طرفی در چند بازی یک گل آن هم روی شوت از راه دور به ثمر رسانده. تیم منصوریان به خصوص سه شنبه شب مقابل پدیده، فوتبال خوب و روانی بازی و موقعیت های زیادی ایجاد کرد، اما به بازی ششگ هیج امتیاز و جامی تعلق نمی گیرد و همین نتایج باعث شد روی سکوهای آبی شعار «منصوریان حیا کن، استقلال رو رها کن» شنیده شود؛ شعاری که البته با واکنش برخی هواداران به خصوص لیدرها مواجه شد چرا که آن ها معتقدند باید مثل فصل قبل به منصوریان فرصت بیشتری داد و مربی بعدی که خودش تیم را نبیست، نمی تواند به جای منصوریان بیاید و معجزه کند! در مقابل طرفداران شعار حیا کن، رها کن معتقدند منصوریان به اندازه کافی فرصت داشته و با دور ماندن دست تیم از دو جام فصل قبل و حذف فاجعه آمیز از جام باشگاه های آسیا یا خوردن ۶ گل، اگر استقلال به تغییری نیاز داشته باشد، زمانش همین اول فصل است که بازی های زیادی باقی مانده و لیگ هم به طور موقت تعطیل است. در این پرونده و به همین بهانه مروری داریم بر تاریخ التهاب روی سکوهای تیم های بزرگ، اعتراض هواداران به مربیانی که محبوب بودند و برای مقطعی مغضوب شدند و در نهایت این موضوع را بررسی کرده ایم که رفتن منصوریان به نفع تیم است یا نه؟



یادداشت شفاهی «جلال چراغپور»، کارشناس مطرح فوتبال کشورمان درباره تغییر سرمربی تیم استقلال

۵ مولفه مهم که استقلالی ها ندارند

■ رفتن منصوریان به نفع استقلال نیست

این روزها بعضی بر

این باور هستند که علیرضا منصوریان باید از سمت سرمربی استقلال کنار برود. به نظر من اگر همین امروز هم سرمربی تیم استقلال تغییر کند و مربی دیگری بیاید، حداقل ۴ هفته دیگر زمان لازم است تا این پنج مولفه مهم برای یک بازی خوب و با کیفیت تامین شود. حالا سوال همین جاست؛ آیا این ریسک بزرگی نیست که سرمربی استقلال تغییر کند به این امید که مربی بعدی، پس از چهار هفته دیگر و ۹ بازی، بتواند سبک و چگونگی بازی تیم استقلال را پیدا کند؟ آیا اصلا تضمینی هست که مربی بعدی دچار این تغییرات و افت ناگزیر نشود؟ پس به نظر من تغییر مربی تیم استقلال و شاندن فرد دیگری در این موقعیت حساس، در حال حاضر اصلا کار صحیحی نیست.

■ ناراحتی هواداران را درک می کنم، اما...

شاید این سوال برای مخاطبان ایجاد شود که با نتیجه های بد هفته های اخیر استقلال، آیا هواداران حق ناراحتی و اعتراض ندارند؟ به نظر من همه حق دارند از این اوضاع خسته باشند و اعتراض کنند اما این که مردم حق اعتراض دارند و سرمربی تیم استقلال باید تغییر کند، دو موضوع کاملا جداست. شاید با تغییر سرمربی تیم، تا حدودی از ناراحتی مردم و هواداران کم شود اما باید بدانیم تا زمانی که تیم استقلال این ۵ مولفه مهم را رعایت نکند، نمی تواند نتیجه خوبی از بازی های بعدی اش بگیرد. در واقع امروز در کشور ما کسی که بتواند جاننشین سرمربی فعلی استقلال شود و در عین حال شناخت کافی هم از این تیم داشته باشد می شود، مدام مولفه مهم، مدام دستخوش تغییر می شود، مستلم است که این تیم و گام موثری برای افزایش کیفیت بازی این تیم بردارد، وجود ندارد و در صورتی که کسی را از خارج از فوتبال کشورمان به استقلال بیاوریم و با روش مدرن و استانداردی کارش را شروع کند، ممکن است در عرض یک یا دو هفته بتواند با رعایت هر ۵ عامل اشاره شده نتیجه بگیرد اما باز هم کسی به اندازه منصوریان که حدود دو سال است برای این تیم مبارزه می کند و شناخت کافی از شرایط این تیم دارد، برای جایگاه سرمربیگری استقلال مناسب تر از خود او نیست و تغییر این مربی کار اشتباهی است. به نظر من علیرضا منصوریان مربی خوبی است اما اشتباهاتی دارد که می تواند یک بازی را به شدت تحت تاثیر قرار دهد. باید با این مربی خوب صحبت شود تا با به کارگیری یک کادر فنی با تجربه، یک تفکر مناسب را اجرا کند و نتیجه بگیرد.



آیا تغییر مربی در میان فصل، هیچ وقت به نفع استقلال بوده است؟

تغییر نابه هنگام، فرار به سوی ناکامی!

رده ششم جدول تحویل گرفت و در رده سیزدهم تحویل داد تا تلخ ترین خاطره استقلالی ها از این تغییرات رقم بخورد. به روایت تجربیات گذشته استقلال و با دیدن ناکامی های این تیم بعد از تغییر سرمربی در میانه فصل، شایعه برکناری یا قبول استعفا ی منصوریان به شدت کم رنگ می شود. فصل پیش هم در ۵ بازی ابتدایی، تیم استقلال فقط ۳ امتیاز کسب کرد ولی کادر فنی با حمایت مدیرعامل و تشویق هواداران توانست در پایان فصل، این تیم را نایب قهرمان لیگ کند و سهمیه آسیایی بگیرد. شاید «رضا افتخاری» مدیرعامل باشگاه استقلال هم به این فکر می کند که اگر سرمربی تیم تغییر کند، دوباره آن ناکامی های تلخ قبلی تکرار می شود و استقلال نه تنها رتبه ای بهتر به دست نخواهد آورد، بلکه در رتبه پایین تری قرار می گیرد. آن چه مسلم است مسئولان و هواداران باشگاه استقلال قطعا نمی خواهند تیمشان دچار بحران شود و به همین دلیل ثبات و حمایت از کادر فنی را، تحت هر شرایطی بهتر از تغییرات، آن هم در هفته پنجم بازی ها می دانند. حال این که منصوریان می تواند از این فرصت بهره برد و استقلال را به اهداف خود برساند، جای صبر و تامل دارد و باید منتظر ماند و دید.



به بهانه اعتراض سکوهای آبی

به نتایج ضعیف منصوریان

تاریخچه «حیا کن، رها کن»

معروف ترین مربیانی که فریاد اعتراض هواداران را بلند کردند

مشکلی که این روزها «علیرضا منصوریان» با آن دست و پنجه نرم می کند، اتفاق تازه ای نیست.

این «حیا کن، رها کن» ها سال هاست در فوتبال ایران به گوش می رسد. به همین بهانه، سری به گذشته زدیم تا مروری بر ماجرای معروف ترین مربیانی داشته باشیم که به خاطر عملکرد نامناسب، با شعار های تند هواداران از روی سکوها مواجه شدند و عاقبت همه شان هم جدایی از تیم بوده است.



عبداله ویسی
بی حاشیه ترین
«حیا کن، رها کن»



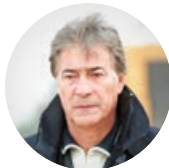
حمید درخشان
دنیاله دار ترین
«حیا کن، رها کن»



حمید استیلی
زودترین
«حیا کن، رها کن»



علی دایی
خاص ترین
«حیا کن، رها کن»



مرحوم ناصر حجازی
موثر ترین
«حیا کن، رها کن»



علی پروین
تلخ ترین
«حیا کن، رها کن»

از کجا شروع شد؟

سلطان قلب پرسپولیس سال ۸۶ با کوله باری از تجربه، سرمربی استقلال تهران شد و به امید تکرار افتخاراتی بود که با این تیم به دست آورده بود. ولی همه چیز به هفته چهاردهم لیگ کشیده شده و چشیدن فرصت برای ماندن در استقلال بود. اما در غروبی که استقلال بازی برده را مقابل سایپا باخت، هواداران استقلال برای اولین بار، شعار «حیا کن، رها کن» سر دادند و اعتراض خودشان را با فریاد به گوش مربی وقت تیم شان رساندند. **آخرش چی شد؟** تنها چند ساعت پس از بازی، ناصر حجازی با بیانیته تاریخی «دلایل قطع همکاری با باشگاه استقلال یا ناصر حجازی» از مجموعه آبی ها کنار گذاشته شد.

همن ۳ نتیجه ضعیف پی در پی باعث شد سلطان سرخ ها بعد از بازی با ذوب آهن با صدای بلند بگوید: «خدا حافظ

فوتبال» و عطای پرسپولیس را به لقایش ببخشد و برود. **آخرش چی شد؟** همین ۳ نتیجه ضعیف پی در پی باعث شد سلطان سرخ ها بعد از بازی با ذوب آهن با صدای بلند بگوید: «خدا حافظ فوتبال» و عطای پرسپولیس را به لقایش ببخشد و برود.

نگاهی به معروف ترین

«حیا کن، رها کن» های فوتبال دنیا

فوتبال است و هوادار و عشق. این سه ضلع جدانشدنی را تا هوادار تیمی نباشی، نمی توانی درک کنی. اما بعضی از هواداران انگار هوادارترند. این را می شود از کری خواندن ها و رنگ لباس و پوسته های اتاقشان متوجه شد. در جایی که زندگی آدم ها به مستطیل سبز فوتبال گره خورده، باخت یک تیم، شکست سنگینی به حساب می آید و اگر این نتیجه نگرقتن ها تداوم داشته باشد، یک شکست شخصی در زندگی، با همه اثرات روحی و روانی اش تلقی می شود. شاید خیلی از ما فکر کنیم که حداقل در اروپا این موضوع فرق می کند چون هرچه باشد تفریحات و گشت و گذار و ورزش های گوناگون مردم آن جا، نسبت به بقیه نقاط دنیا بیشتر و متنوع تر است اما در واقعیت این طور نیست و طرفداری که تیمش را دوست دارد، نمی تواند ببیند تیم موردعلاقه اش به دلیل اهمال و کوتاهی و سوءمدیریت یک مربی، مدام شکست می خورد و آن جاست

از کجا شروع شد؟

پرسپولیس «علی دایی» را ۹۰-۸۹ بنابر ادعای علی دایی، به دلیل خط گرفتن چند بازیکن از دست های پشت پرده، ۵ بازی را به حریفان واگذار کرد اما کاری که لیدرهای پرسپولیس در ورزشگاه تختی با علی دایی کردند، به معنای واقعی کلمه «خاص، متفاوت و بی سابقه» بود! در روز بازی با سایپا در حرکتی باورنکردنی، لیدرها و تماشاگران علیه او بیانیته خواندند. لیدرها می گفتند: «ما هواداران پرسپولیس... و تماشاگران هم همین جملات را با صدای بلند تکرار می کردند تا شهریار مات و مبهوت بپرسد: کجای دنیا علیه سرمربی بیانیته می خوانند!

آخرش چی شد؟ ناصر حجازی با بیانیته تاریخی «دلایل قطع همکاری با باشگاه استقلال یا ناصر حجازی» از مجموعه آبی ها کنار گذاشته شد. **آخرش چی شد؟** هرنجد استیلی یکی از اخلاق ترین و محبوب ترین چهره های فوتبال ایران است که دوست و دشمن، اخلاق مداری او را باور دارند، تنها بعد از ۶ ماه مربیگری در پرسپولیس و باخت مقابل استقلال در نیمه نهایی جام حذفی، اخراج شد!



تیم «رئال مادرید» را بر عهده داشت، به خاطر نیمکت نشینی «کاسیاس»، دروازه بان محبوب رئال مادرید، توسط طرفداران رئال هو شد و هنگامی که در بازی با تیم «وایادولید» نام روزه مورینیو از بلندگوهای ورزشگاه اعلام شد، شروع به سوت زدن در اعتراض به او کردند.

منابع:

۱- شبکه اجتماعی ورزشی طرفداری

۲- سایت پرسپولیس نیوز